

پرخاشگری، علل و درمان

مقدمه:

انسان موجودی است یادگیرنده و دارای نیازهای فیزیولوژیک و غیر فیزیولوژیک که برای تامین آن به کوششهای مختلف دست می‌زند و در رسیدن و ارضای خواسته‌های خود ممکن است تعجیل کند و یا با تاخیر انداختن زمانی نیازها با تحمل سطح محدودی از فشارهای روانی ملاحظاتی را مد نظر قرار دهد. نوع بشر همواره در زندگی تلاش کرده است که با ابداع روشهای جدید به راحتی، رفاه و آسایش بیشتر برسد و از مرارتها و مشقتها خود بکاهد؛ و چه بسا در این راه گاهی با تشخیص‌های ناصواب، خود را دچار مخاطراتی ساخته و نتوانسته است به اهداف خویش جامه عمل بپوشاند، و بناچار واکنشهای نامناسبی را از خود بروز داده است، که عمده‌ترین آنها واکنشهای روانی است. گفته می‌شود «نشانه‌های عصبی - روانی حتی در بزرگترها ریشه در دوران کودکی دارد که در این دوران تفکر هنوز پیش سببی و جانگرایانه است (پلاژه و اینهلدر ۱۹۶۹)، و تفاوت میان افکار و خواسته‌ها و عمل هنوز مشخص نیست».^(۱) به نظر می‌رسد فردی که دایم در حال تغییر رفتارها و احساسات و خلق قرار دارد در واقع سطح رویکرد شناختی او هنوز رشد نیافته و در مراحل قبلی تثبیت شده است، که احتیاج به راهنمایی و مراقبت دیگران داشته باشد. به همین منظور در آموزشگاه نقش معلم را فقط در حوزه تدریس نمی‌دانند بلکه گفته می‌شود وظیفه آموزگار تنها ارائه مثنی معلومات به ذهن کودکان و جوانان

نیست، تلطیف عواطف و تقویت اراده و پرورش دیگر استعدادها آنها را نیز عهده دار می‌باشد و امر تعلیم یا آموزش در واقع مقدمه و وسیله‌ای است برای رسیدن به این منظور عالی، یعنی پروردن افراد به وجهی که مردمی خردمند و توانا و درستکار شوند و بتوانند در تامین خوشبختی خود و پیشرفت جامعه کاری انجام دهند.^(۲)

یکی از عمده‌ترین رفتارهای ناپخته نوع بشر در برابر ناکامی‌ها رفتارهای پرخاشگرانه می‌باشد که تکرار آن در فرد و نتیجه عملی آن در اجتماع برای افراد پیامدهای ناگواری را به ارمغان می‌آورد و منجر به گسستگی روابط بین فردی گشته و ناملایماتی را بهمراه خود دارد. لذا در این مقاله سعی داریم به آن پرداخته و علل و عوامل و راههای مقابله با آن را جستجو کنیم. امید است یزدان پاک مدد رساند و ما را از نقصان به کمال برساند.

رفتار انسان انعکاس تجربیات دوران زندگی اوست. هر قدر انسان تعادل عاطفی بیشتری داشته باشد در برابر محرکهای خارجی واکنشهای نامناسب‌تر کمتری بروز خواهد داد؛ و هدف رفتار اجتماعی انسان سازگاری اوست با جهان مادی و اجتماعی وی. اما زمینه ساز رفتار عواملی هستند که از جمله آنها می‌توان فرآیند اجتماعی شدن، انگیزه‌ها، هیجان‌ها و تگرش‌ها، را نام برد.^(۳) حال اگر این سازگاری حاصل نیاید ممکن است رفتارهای پرخاشگرانه جایگزین آن شود و فرد را از خط تعادل خارج سازد. برای

روشن تر شدن موضوع پرخاشگری، نگاهی داریم به تعریف و مسایل مربوط به آن.

تعریف پرخاشگری:

در تعریف پرخاشگری گفته می‌شود، پرخاشگری را می‌توان رفتار به قصد آزار و صدمه فردی که برای احتراز از این اقدام برانگیخته شده است تعریف کرد.^(۴) در یک تعریف دیگر گفته شده است: «پرخاشگری معمولاً به رفتاری اطلاق می‌شود که قصد از آن صدمه رساندن (جسمانی یا زبانی) به فرد دیگر با نابود کردن دارایی افراد است. واژه اصلی در این تعریف قصد است.^(۵) کاپلان و دیگران می‌گویند: «پرخاشگری عبارت از رفتاری است که در جهت صدمه زدن و یا آسیب رسانیدن به موجود زنده‌ای بروز کرده به گونه‌ای که این موجود قاعدتاً از چنین رفتاری اجتناب می‌ورزد.» در تعریف دیگری که اتکینسن در کتاب مقدمه‌ای بر روانشناسی آورده است: «پرخاشگری معمولاً به عنوان یک رفتار تعریف می‌شود که در آن قصد صدمه زدن به شخص دیگری ملحوظ می‌باشد که این رفتار می‌تواند به صورت فیزیکی یا کلامی باشد.»^(۶) در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت قصد و هدف در پرخاشگری محور این گونه رفتارها می‌باشد که باید از دیگر رفتارهای فرد متمایز نمود.

برای توضیح ریشه رفتار پرخاشگرانه میان افراد انواع مختلف، محققان اصطلاحاتی از نوع فشار اجتماعی، و یا از هم پاشیدگی اجتماعی،



را وضع کرده‌اند. و اسکاٲ ۱۹۶۶ رفتار پرخاشگرانه مزبور را به رفتار پهلوانی، تعبیر کرده است.^(۷)

انواع پرخاشگری:

پرخاشگری را می‌توان به صورت شکل و محتوی به قرار زیر تقسیم و تشریح نمود:

الف - پرخاشگری از نظر مشکل:

الف - ۱ - پرخاشگری مستقیم: در این وضعیت فرد پرخاشگر از طریق اعمال خشونت همراه با بی‌رحمی و با مجروح کردن و از بین بردن فرد، یا افراد، پرخاشگری خود را بروز می‌دهد و ممکن است تکرار آن برای اجتماع خطرات جدید را بوجود آورد. از جمله قساوت قلب و بی‌عاطفگی و عدم احساسات برانگیزنده و عدم احساس درد و ناراحتی، توسط خود فرد عامل.

الف - ۲ - پرخاشگری غیر مستقیم: در چنین مواردی کمتر رنگ و بوی خشونت و زد و خورد دیده می‌شود و فرد پرخاشگر بیشتر تلاش می‌کند از طریق لجبازی، منفی‌کاری، تروئوی و مانع‌تراشی به ابراز رفتارهای پرخاشگرانه خود بپردازد. معمولاً اینگونه افراد متوجه پیامد کارهای خویش بوده و گاهی نیز از عملکرد خود احساس پشیمانی نموده و به خود ملاتگری نیز می‌پردازند. سطح هیجانی این افراد با افراد گروه پیشین نیز فرق می‌کند.

کودکان وابسته به خانواده‌های ناسازگار که اختلافات زناشویی و خانوادگی دارند، با نارسایی و نگرانی مواجه می‌شوند و نیازهای خود را از طریق توسل به رفتارهای خشن و بی‌مبارگونه بسراورده می‌سازند.

ب - پرخاشگری از نظر محتوی:

ب - ۱ - پرخاشگری خصمانه کلامی: اینگونه پرخاشگران بیشتر به فحاشی و با استفاده از کلمات و عباراتی که بار منفی و خشونت آمیز دارد دست می‌زنند و ممکن است پس از پرخاشگری کلامی تخلیه شده و یا بر عکس به اذیت و آزار رسانیدن به افراد و اموال نیز منجر گردد.

ب - ۲ - پرخاشگری وسیله‌ای (بدنی): در این گونه موارد فرد پرخاشگر ضمن استفاده از کلام خشونت آمیز به ابزار و وسایل در دسترس متوسل شده، از این طریق به ایجاد ضرب و جرح می‌پردازد. افراد پرخاشگری که معمولاً از وسایل برنده و کشنده استفاده می‌نمایند دارای بار عاطفی منفی نسبت به دیگران بوده و در ضمن نسبت به خود نیز احساسات دوگانه دارند و ممکن است در راه نیل به اهداف خویش به خود نیز صدمات جدی وارد نمایند.

ج - پرخاشگری و نوع تربیت اجتماعی: ج - ۱ - پرخاشگری تربیت شده اجتماعی:^(۸) اینگونه افراد در حالی که از نظر کلامی و وسیله‌ای به پرخاشگری می‌پردازند، در عین حال در اجتماع افرادی هستند که می‌توانند از طریق راهنمایی و هدایت دیگران به کنترل رفتار دست پیدا کنند و اصطلاحاً درمان‌پذیری آنان زودتر محقق می‌گردد.

ج - ۲ - پرخاشگری تربیت نشده اجتماعی: این افراد ضمن انجام تکراری رفتارهای پرخاشگرانه در مقابل افراد و قانون از وضعیت تربیت شده مناسبی بهره نمی‌برند و ممکن است رفتارهای آنان موجب برهم خوردن نظم اجتماعی گردد. این افراد معمولاً با مراجع قانونی دچار درد سر و درگیری می‌شوند.

روانشناسان در تحلیل رفتار این دسته از افراد می‌گویند: اینگونه پرخاشگری می‌تواند معلول هر موقعیت ناخوشایند یا ملال انگیز از قبیل درد، دلتنگی و غیره باشد. مهمترین عامل در ایجاد اینگونه پرخاشگری از میان همه موقعیتهای ملال انگیز ناکامی است. اگر فردی در نیل به هدف خود با شکست مواجه شود ناکامی حاصل احتمال پاسخ پرخاشگرانه او را افزایش می‌دهد.^(۹)

ج - ۳ - پرخاشگری تربیت شده اجتماعی بدون خشونت: از مشخصه‌های بارز این افراد ممکن است دعوا بین همسالان و همکلاسی‌ها باشد که ضمن آزار و اذیت رساندن همدیگر بعد از مدت کوتاهی آشتی نموده و می‌توانند دوستی‌های خود را ادامه دهند. مطالعاتی که در زمینه پرورش کودکان به عمل آمده حاکی از این است والدین که برای متوقف ساختن پرخاشگری کودکان خود تنبیه سخت به کار می‌برند، دارای کودکانی هستند که با این که در خانه خیلی پرخاشگر نیستند، در مدرسه و در موقع بازی در خارج از خانه پرخاشگری زیادی ابراز می‌دارند.^(۱۰)

ج - ۴ - پرخاشگری تربیت نشده اجتماعی همراه با خشونت: تگرشها و الگوهای رفتاری که کودکان در جریان رشد خود فرا می‌گیرند شبیه تگرشها و الگوهای رفتاری است که در والدین آنها دیده می‌شود. گاهی شباهت بین فرزند و پدر و مادر از لحاظ ویژگیهایی مانند راه رفتن، اطوارها، وزیر و بیم صدا بسیار چشمگیر است. از این نظر است که می‌گوییم کودک با پدر و مادرش همانند سازی می‌کند.^(۱۱)

بنابر این پرخاشگری چنین افرادی را باید در دوران وابستگی به والدین مورد مطالعه قرار داد و این افراد نیز مانند والدین خود دارای احساسات و عواطف می‌باشند. کودکان وابسته به خانواده‌های ناسازگار که اختلافات زناشویی و خانوادگی دارند، با ناراحتی و نگرانی مواجه می‌شوند و نیازهای خود را از طریق توسل به رفتارهای خشن و بی‌مبارگونه بسراورده می‌سازند.^(۱۲) در این افراد چون اصل تربیت اجتماعی انجام نگرفته معمولاً پرخاشگری همراه با خشونت بوده و بر اثر تکرار قبح عمل کاسته شده و منجر به اعتشاش و بی‌نظمی اجتماعی می‌گردد، که از نشانه‌های آن درگیری با قانون و ایجاد زد و خوردهای گروهی و آتش افروزی و تخریب اموال و نهایتاً به قتل رساندن دیگران است. تا هنگامی که امید نا برآورده وجود دارد



بعضی افرادی که دچار آسیب مغزی هستند ممکن است به محرکی که به طور طبیعی رفتار پرخاشگرانه ایجاد نمی‌کند، پرخاشگرانه واکنش نشان دهند؛ در چنین مواردی، نظارت قشر مخ مختل شده است.

آن کار گذاشته شده تحریک شود، حیوان فیف می‌کند، موهای بدنش راست می‌ایستد، مردمک چشمهایش فراخ می‌شود، و به موش یا چیز دیگری که در قفس باشد حمله می‌کند. تحریک ناحیه دیگری از هیپوتالاموس رفتاری کامل^{۱۳} متفاوت بوجود می‌آورد: به جای نشان دادن اینگونه پاسخهای دُخشم آگین، گربه با خونسردی و دزدانه به سوی شکار می‌رود و موش را می‌کشد.

با شیوه‌های مشابهی توانسته‌اند در میمونها و موشها نیز رفتار پرخاشگرانه ایجاد کنند. در پستانداران عالی‌تر، اینگونه الگوهای غریزی پرخاشگرانه به وسیله قشر مخ کنترل می‌شوند و در نتیجه بیشتر تحت تاثیر تجربه هستند. آدمیان نیز همانند حیوانات رده‌های پایین‌تر مجهز به برخی مکانیسمهای عصبی هستند که به آنان امکان می‌دهد پرخاشگرانه رفتار کنند، اما فعال شدن این مکانیسمها در اختیار کنترل شناختی است. بعضی افرادی که دچار آسیب مغزی هستند ممکن است به محرکی که به طور طبیعی رفتار پرخاشگرانه ایجاد نمی‌کند، پرخاشگرانه واکنش نشان دهند؛ در چنین مواردی، نظارت قشر مخ مختل شده است. اما در افراد بهنجار، تعداد دفعاتی که در آنها رفتار پرخاشگرانه تجلی می‌کند، و صورتهایی که این رفتار به خود می‌گیرد، و موقعیتهایی که در آن بروز می‌کند، همه تا حدود زیادی تابع یادگیری و تاثیرات اجتماعی است.

د - نظریه پرخاشگری به عنوان یک رفتار اجتماعی اکتسابی: در نظریه یادگیری اجتماعی، مفهوم پرخاشگری به عنوان یک غریزه یا یک سائق ناشی از ناکامی مردود شناخته

امکان از بین بردن پرخاشگری، نظریه بدبینانه داشت؛ حداکثر کاری که می‌توان کرد تغییر دادن شدت آن است - از راه ایجاد علائق عاطفی مثبت بین مردم یا فراهم ساختن روزه‌های فرار (مانند تماشای مسابقات مشت زنی که در آنها به برنده پول پرداخت می‌شود، یا شرکت در انواع ورزشها).^{۱۴} فروید غریزه پرخاشگری را تضارب بین غریزه اروس (غریزه حیات) و غریزه تاناتوس (غریزه مرگ) می‌داند که موجب بروز چنین رفتاری می‌شود.

ب - نظریه ناکامی - پرخاشگری: فرضیه ناکامی - پرخاشگری بر این فرض استوار است که ناکام ماندن تلاشهای فرد برای دستیابی به هدف، موجب پیدایش سائق پرخاشگری می‌شود. و این نیز به نوبه خود رفتاری را برای صدمه زدن به فرد یا شینی که موجب ناکافی است برمی‌انگیزد (دالبرد و دیگران، ۱۹۳۹). بروز پرخاشگری باعث کاهش این سائق می‌شود. در پاسخ به ناکامی، پرخاشگری یک پاسخ غالب است، اما اگر پرخاشگری در گذشته تنبیه شده باشد ممکن است پاسخهای دیگری ظاهر شود، مطابق این تبیین، پرخاشگری فطری نیست، اما از آنجا که ناکامی یک پدیده تقریباً همگانی است، پرخاشگری را باید سائقی به حساب آورد که در جستجوی مغزی است.

ج - نظریه زیستی پرخاشگری: برخی شواهد موجود در مورد شالوده زیستی سائق پرخاشگری حاصل بررسیهایی است حاکی از آنکه تحریک برقی ملایم ناحیه خاص از هیپوتالاموس حیوانات موجب بروز رفتار پرخاشگرانه در آنها می‌شود. وقتی هیپوتالاموس گربه به وسیله الکترودهایی که در

پرخاشگری نیز وجود خواهد داشت. پرخاشگری را یا با از میان برداشتن امید و آرزو یا با آوردن آن می‌توان کاهش داد.^{۱۵}

نظریه‌های پرخاشگری

دیدگاههای نظری ایجاد پرخاشگری متفاوت هستند ولی هر چه باشد، عوامل اجتماعی از قبیل ناکامی و تحریک مستقیم از طرف دیگران به صورت بد رفتاری و اهانت کلامی دیگران غالباً عامل عمده‌ای از آشکار ساختن اعمال پرخاشگرانه در شخص است. وقتی پرخاشگری شروع شد معمولاً الگویی فزاینده پیدا می‌کند و در نتیجه ضربه‌ای خفیف و کلامی بی اهمیت ممکن است موجب شروع فرآیندی گردد که در آن تحریکات قویتر و قویتر مبادله شوند.

عوامل محیطی مثل سر و صدا... و مواد خاص ممکن است پرخاشگری را تشدید نماید. تراکم بیش از حد جمعیت نیز احتمال انفجارهای پرخاشگرانه را تشدید می‌کند.^{۱۶} براساس تحقیقات حاصله گفته می‌شود: وجود یک کانون تحریکی در سطح قسمت شقیقه‌ای مغز انسان، غالباً مسبب ظهور رفتار پرخاشگرانه در او می‌شود. (تریفرت ۱۹۶۴).^{۱۷} با توجه به این مقدمه دیدگاههای اجمالی نظری پرخاشگری به قرار زیر است:

الف - نظریه غریزی پرخاشگری: فروید به پرخاشگری به عنوان یک غریزه اساسی می‌نگریست. نیروی غرایز مرگ در درون جاندار انباشته می‌شود و سرانجام به حدی می‌رسد که باید تخلیه شود - خواه رو به برون و به شکل پرخاشگری آشکار، و خواه رو به درون و به صورت اعمال خود تخریبی. فروید در باره

می‌شود و به جای آن گفته می‌شود که پرخاشگری هیچ فرقی با سایر پاسخهای آموخته شده ندارد. پرخاشگری می‌تواند از طریق مشاهده یا تقلید آموخته شود، و هر چه بیشتر تقویت شود احتمال وقوع آن بیشتر می‌شود. فردی که به علت عدم دستیابی به هدف، ناکام مانده یا به خاطر اتفاقات تنش زا دچار ناراحتی شده است برانگیختگی هیجانی نامطلوبی را تجربه می‌کند. پاسخی که این برانگیختگی هیجانی برمی‌انگیزد بستگی دارد به اینکه فرد چه پاسخهایی را برای کنار آمدن با موقعیتهای تنش زا یاد گرفته است. فرد ناکام ممکن است از دیگران یاری بطلبد، پرخاش کند، گوشه گیری اختیار کند، حتی برای فائق آمدن بر موانع بر تلاش خود بیفزاید، یا با پناه بردن به الکل یا داروهای مخدر خود را تخدیر کند. چنین فردی پاسخی را نشان خواهد داد که در گذشته در از بین بردن ناکامی موفق تر بوده است. طبق این نظر، ناکامی بویژه کسانی را به پرخاشگری برمی‌انگیزد که یاد گرفته‌اند در برابر موقعیتهای ناراحت کننده، رفتار و نگرشهای پرخاشگرانه نشان دهند (باندورا، ۱۹۷۷). طبق نظریه یادگیری اجتماعی، تجربه‌های نامطبوع به برانگیختگی هیجان منجر می‌شوند. ناکامی در معنای جستجوی هدفهایی که راه رسیدن به آنها مسدود شده؛ یکی از اینگونه تجربه‌های نامطبوع است. اما تجارب دیگری نیز وجود دارد؛ برای مثال: ناراحتی جسمانی نیز برانگیختگی هیجانی را بیشتر می‌کند و اگر نشانه‌های کافی برای فراخوانی رفتار پرخاشگرانه وجود داشته باشد ممکن است به پرخاشگری منجر شود. در یک بررسی افرادی که مجبور بودند کاری را در یک اتاق گرم خفه انجام دهند بیش از افرادی که در اتاق خنک کار کردند پرخاشگری نشان ندادند، اما پس از آنکه هر دو گروه، سرمستی از پرخاشگری را تماشا کردند گروه اول بیش از گروه دوم پرخاشگری نشان دادند (سارون، لاتن، ۱۹۷۲).^(۱۷)

بر اساس نظریه یادگیری پرخاشگری نتایج آزمایش با حیوانات روشن می‌سازد که پس از چندین تجربه زوجی که در آن رویداد خنثی با نزاع بین حیوانات همراه می‌گردد، رویداد پیش بین (خنثی) به تنهایی رفتار جستگیدن را فرا می‌خواند. مطالعه تاج (۱۹۶۹) در باب رفتار تهاجمی، فرض وجود فرآیند مشابهی را در مورد رشد فراخوان‌های پرخاشگری در آدمیان ثابت

کرده است. در یک مورد، او به شخصی اشاره می‌کند که از سوی یک مرد قوی هیکل به طور تحقیر آمیزی کتک می‌خورد. بعدها این واقعه درد ناک موجب شد که آن شخص با کوچکترین تحریک از سوی افراد قوی هیکل اقدام به سرکشی کند. این خصوصیات چنان قدرت کنترلی بر رفتار پرخاشگرانه پیدا می‌کرد که اغلب خطر حمله شدید به مخالفان را تشدید می‌نمود. در آزمون‌های رسمی‌تر، فراخوان‌های پرخاشگری به ویژه وقتی مؤثر می‌افتاد که با دیگر محرک‌های پرخاشگری مثل برانگیختگی خشم، مدل سازی پرخاشگری و توجیبات بازدارنده زدا برای رفتار تهاجمی همراه می‌شد (برکویتز، ۱۹۷۳).^(۱۸)

در ارتباط با پرخاشگری آموخته شده گفته می‌شود: والدین اغلب به کودک رفتار پرخاشگرانه و ضد اجتماعی را می‌آموزند که احتمال دارد در آینده تکرار شود (پاترسون و همکاران، ۱۹۷۵).^(۱۹)

پاسخهای فیزیولوژیایی در هیجان:

اساس رفتارهای پرخاشگرانه بر پایه هیجان نهفته است. در تعریف «هیجان» در لغت نامه دهخدا به جوش، جوشش و شور معنی شده است و در فرهنگ معین به معنی آشفته شدن، برانگیخته شدن، اضطراب و خشم و غضب، در فرهنگ آندراج به معنای برانگیخته شدن آمده است. در ترجمه لغوی آن را به جای عاطفه بکار برده‌اند. در زبانهای انگلیسی و فرانسوی کلمه «هیجان» emotion و «انگیزه» motive هم‌ریشه‌اند و هر دو از اصل لاتین emover گرفته شده که معنی آن تحریک و تهییج می‌باشد. عده‌ای از روانشناسان «هیجان» را بر مبنای تجارب خصوصی فرد تعریف می‌کنند، یعنی بر مبنای آنچه افراد در باره احساسات ذهنی خود گزارش می‌دهند و گروهی دیگر تعریف هیجان را بر مبنای حالات و تغییرات قابل رویت بدنی آورده‌اند.

«هیجان‌ات عبارتند از مجموعه تغییرات حالات جسمانی و روانی فرد در موقع تجربه مسائل عاطفی خواه این تجربیات عاطفی خفیف باشد خواه شدید». (۲۰) باز در تعریف دیگری گفته می‌شود: «هیجان حالت احساسی پیچیده‌ای است که از اجرای روانی، جسمانی، و رفتاری ترکیب شده است. سیما و تظاهرات

خارجی و ظاهری این احساس عاطفه می‌باشد. (۲۱) با توجه به تعریف عمده‌ترین پاسخ‌های فیزیولوژیایی در هیجان عبارتند از:

- ۱- فشار خون و ضربان قلب افزایش می‌یابد.
- ۲- تنفس تندتر می‌شود.
- ۳- مردمک چشم فراخ می‌شود.
- ۴- تعرق افزایش می‌یابد و ترشح بزاق کم می‌شود.
- ۵- سطح قند خون بالا می‌رود تا انرژی بیشتری فراهم شود.
- ۶- به هنگام جراحت، خون سریع تر لخته می‌شود.
- ۷- حرکات روده و معده کاهش می‌یابد؛ خون به جای معده و روده، بیشتر به سوی مغز و عضلات مخطط سرازیر می‌شود.
- ۸- موهای پوست راست می‌ایستد (سیخ سیخ می‌شود) و باعث دانه دانه شدن پوست می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- مقدمه‌ای بر روان درمانی - ص ۲۲۲
- ۲- روانشناسی پرورش، ص ۴
- ۳- پژوهش‌های روان شناختی. شما، ۵، ص ۲۷
- ۴- مجله بازتاب، ش ۱، ص ۱۱
- ۵- زمینه روان شناسی، ج ۱، ص ۵۷۱
- ۶- بررسی رابطه ساخت خانواده با رفتارهای پرخاشگرانه، صص ۱۱-۱۲
- ۷- فیزیولوژی روانی، صص ۳۸۹-۳۹۰
- ۸- تشخیص و درمان بیماری‌های روانی در کودکان، ص ۲۷
- ۹- روان شناسی اجتماعی، صص ۱۶۸-۱۶۹
- ۱۰- همان کتاب، ص ۱۳۷
- ۱۱- زمینه روان شناسی، ج ۱، ص ۱۵۷
- ۱۲- مبانی روان شناسی رشد، ص ۸۵
- ۱۳- روان شناسی اجتماعی، ص ۱۷۰
- ۱۴- عوارض عصبی و روانی ناشی از جنگ، ج ۲، ص ۲۸۶
- ۱۵- فیزیولوژی روانی، ص ۳۹۸
- ۱۶- زمینه روان شناسی، ج ۱، ص ۵۷۲
- ۱۷- همان کتاب، ج ۱، ص ۵۷۷
- ۱۸- نظریه‌های یادگیری اجتماعی، ص ۷۶
- ۱۹- اصلاح و رفتار کودکان، ص ۷۲
- ۲۰- بیماری‌های روان تنی، ص ۶۰
- ۲۱- فرهنگ لغات و اصطلاحات چهار زبان روان پزشکی، ص ۱۳۳